

## شاخصه‌های سرگرمی اخلاقی در سبک زندگی اسلامی

سید عبدالله میرخندان / کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی مؤسسه اخلاق و تربیت [Abdollahmirkhandan@yahoo.com](mailto:Abdollahmirkhandan@yahoo.com)

سیدحمید میرخندان / دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم [H.mirkhandan@yahoo.com](mailto:H.mirkhandan@yahoo.com)

دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۳

### چکیده

سرگرمی بخش مهمی از سبک زندگی است. برای داشتن سبک زندگی اسلامی، باید شاخصه‌های سرگرمی اخلاقی را از دیدگاه اسلامی بررسی کرد. این تحقیق، با روشی توصیفی-تحلیلی و تجویزی، در پی یافتن برخی از این شاخصه‌ها است تا خلأ دانشی و نظری در این زمینه برطرف گردد. در این تحقیق، به این نتیجه رسیدیم که در سبک زندگی اسلامی، برای سرگرمی اصولی کلی مطرح است. این اصول، با عناصر زمینه‌ای و سایر مؤلفه‌های سبک زندگی، ارتباط دو سویه دارد. برخی از شاخصه‌های سرگرمی اخلاقی عبارتند از: توحیدگرایی، توجه به قرب الهی، توجه به عالم غیب، واقع‌گرایی، عقلایی بودن، بیهوده و عبث نبودن، حفظ کرامت انسانی در سرگرمی، سرگرم نشدن به گناهان و اعتدال در پرداختن به سرگرمی.

**کلیدواژه‌ها:** سرگرمی، سرگرمی مطلوب، اوقات فراغت، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی.

## مقدمه

مکاتب گوناگون بر طبق جهان بینی و ایدئولوژی خود، برای رفتار انسان قیودی را بیان می کنند تا آنها را خوب یا بد معرفی کنند. به عنوان نمونه، برخی مکاتب اعمال آزادی خواهانه و برخی اعمال سودآور و برخی نیز اعمال عدالت خواهانه را رفتارهای پسندیده می دانند. از آنجاکه دین اسلام، روش زندگی کردن در همه سطوح زندگی، اعم فردی و اجتماعی، مادی و معنوی است، در خصوص رفتارهای انسانی از جمله سرگرمی ها، بایدها و نبایدهایی دارد. پژوهش های گذشته در این خصوص، با چالش های متعددی روبه رو بوده است. مانند ابهام در شناخت سرگرمی های جدید و ابهام در مفاهیم شرعی چون لعب و لهو، ندانستن حکم اخلاق اسلامی در عرصه سرگرمی، مشکل تطبیق معیارهای کلی اخلاقی در عرصه سرگرمی و ... . براین اساس، به اعتقاد برخی صاحب نظران در سبک زندگی مسلمانان، به تعالیم اسلامی چندان توجهی نشده است. نمونه آن عدم توجه به اعیاد شرعی، در کنار توجه به مراسم عزاداری است (باقری شاهرودی، به نقل از شبکه اجتهاد).

این مقاله به برخی پرسش هایی که در این زمینه وجود دارد، پاسخ می دهد؛ مانند اینکه در سبک زندگی اسلامی، اصول کلی اخلاقی که در مورد سرگرمی به کار می روند، کدامند؟ تطبیق این اصول کلی در عرصه سرگرمی، چگونه است؟ چالش های دیگر مطرح در عرصه سرگرمی، احتیاج به بررسی های بیشتری دارد که مجال دیگری می طلبد.

## شاخصه های سرگرمی اخلاقی

پیش از بیان شاخصه ها، باید به چند نکته اشاره کرد:

۱. منظور از «سرگرمی»، حالتی نفسانی و نوعی گذران اوقات فراغت است که گاه به خودی خود و فارغ از سایر امور زندگی، ارزش دارد و به صورت اختیاری و به قصد اموری چون ایجاد تفریح، تنوع، استراحت و شکوفایی فردی و اجتماعی صورت می گیرد. مقصود ما از «سبک زندگی»، الگوی همگرا (کلیت تامی)، یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع های اجتماعی و دارایی هاست که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از تمایلات و ترجیح ها و در تعامل با شرایط محیطی خود، ابداع یا انتخاب می کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۷۸).

۲. شاخصه های اخلاقی یا همان اصول و گزاره های اخلاقی، معمولاً از ترکیب مفاهیم ارزشی با موضوعات چون افعال و صفات انسان به وجود می آیند. سرگرمی ها نیز به عنوان یک فعل اختیاری، موضوع این مفاهیم ارزشی هستند (ر.ک: عزیزاده، ۱۳۹۰؛ ر.ک: صدر، ۱۳۷۷). مفاهیم ارزشی خوب و بد، مهم ترین

مفاهیم ارزشی هستند که عموم مردم نیز با آنها سر و کار دارند. یکی از نکات مهم در خصوص مفاهیم خوب و بد این است که این مفاهیم، دارای مراتب هستند و همان‌طور که در عرف مردم نیز مفاهیم بد و بدتر و یا خوب و خوب‌تر وجود دارد، در اخلاق نیز اعمال دارای ارزش‌های متفاوت و با درجات مختلفی، از خوبی و بدی هستند. بنابراین، ممکن است یک شاخصه الزامی و یک شاخصه رجحان داشته باشد. استفاده از مفاهیم الزام و رجحان، برای تعیین اهمیت شاخصه‌های اخلاقی در ترسیم نظام ترجیحات رفتاری اسلامی، یا همان سبک زندگی مؤمنانه، امری ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه باید مشخص شود یک مؤمن باید تا چه اندازه به این شاخصه‌ها پایبند باشد؟ آیا لازم است، یا بهتر است به آنها پایبند باشد؟ مثلاً، وقتی مشخص شد یک شاخصه اخلاقی در عرصه سرگرمی توحیدگرایی و یگانه‌پرستی است، باید مشخص کرد که «لازم» است، یا اینکه «بهتر» است این شاخصه رعایت شود.

۳. مراد از شاخصه‌های اخلاقی، شاخصه‌هایی است که دارای بعد ایجابی و سلبی است. این ابعاد، هم در رجحان‌ها و هم در الزام‌های اخلاقی مطرح هستند. مثلاً، بعد ایجابی در الزامات اخلاقی سرگرمی، اموری است که یک سرگرمی باید آنها را داشته باشد. در این صورت، گزاره اخلاقی مورد نظر، با مفهوم «باید» و به صورت «مثبت» بیان می‌شود. اما بعد سلبی الزامات اخلاقی سرگرمی، اموری است که «نباید» سرگرمی آن را دربر گیرد و گزاره اخلاقی با کلمه منفی «نباید» (مثلاً نباید ... دربر گیرد) و یا با فعل نفی (مثلاً باید ... دربر نگیرد) بیان می‌شود. برای روشن شدن فایده این تقسیم‌بندی، یک مثال بیان می‌شود. مثلاً، سرگرمی‌ها نباید مخالفت با توحیدگرایی داشته باشند. این شاخصه، الزامی است. اما بعد سلبی دارد و در جنبه ایجابی الزامی را مطرح نمی‌کند و نمی‌گوید باید سرگرمی‌ها مروج توحیدگرایی باشند و بین این دو، تفاوت است. برخی از سرگرمی‌ها، ممکن است مروج عقاید توحیدی نباشند، اما مخالفتی هم با این عقاید نداشته باشند. براین اساس، اگر گفته شود رعایت توحیدگرایی در سرگرمی‌ها لازم است، این‌گونه سرگرمی‌ها از منظر اخلاقی ناپسند خواهند شد. اگر گفته شود سرگرمی‌ها نباید مخالفت با توحیدگرایی داشته باشد، این‌گونه سرگرمی‌ها امری پسندیده محسوب می‌شوند. با تفصیل بین بعد ایجابی و سلبی احکام اخلاقی، تفاوت مدلول این دو بیان، بیشتر روشن می‌شود.

بنابراین، می‌توان چهار مفهوم کلیدی اخلاقی را در خصوص شاخصه‌های اخلاقی استخراج کرد:

الزام ایجابی: باید؛ الزام سلبی: نباید؛ رجحان ایجابی: شایسته است؛ رجحان سلبی: شایسته نیست.

۴. اصول و شاخصه‌های اخلاقی، از عناصر پیچیده محیطی چون اقتضانات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی،

اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. از این رو، عبارت ملاحظه اخلاقی برای استنباط شاخصه اخلاقی مناسب‌تر است. منظور از این عبارت، ملاحظه توأمان اصول کلی و عناصر زمینه‌ای است، که بستر وقوع یک موضوع اخلاقی هستند؛ این مبنا از روش «موازنه متفکرانه» اخذ شده است. بر طبق این روش، در استنباط شاخصه اخلاقی در مورد سرگرمی، باید هم شاخصه‌های کلی اخلاقی بر سرگرمی‌ها تطبیق داده می‌شوند و هم عناصر محیطی سرگرمی‌ها، مانند ابزار و ماشین‌آلات به کار گرفته در این سرگرمی‌ها، محیط مجازی برخی از سرگرمی‌ها و امثال آن، ملاحظه می‌شود تا اگر خطایی در برداشت‌های عقلی و شرعی، در تعیین اصول اخلاقی وجود داشت، تصحیح شود. همچنین، باید توجه داشت که این معیارها با یکدیگر اشتراکات و تفاوت‌هایی دارند. مثلاً، آنچه موجب قرب الهی می‌شود بیهوده نیست؛ اما هرچه بیهوده نیست، موجب قرب الهی نمی‌شود. به دلیل اهمیت شاخصه مقرب بودن و نظایر آن، این شاخصه‌ها به صورت جداگانه بیان می‌شود.

۵. در خصوص ارتباط عناصر زمینه‌ای، با حکم و تکلیف اخلاقی، گاه چنان این ارتباط شدید و قوی به نظر می‌رسد که ممکن است برخی، ارائه شاخصه‌های کلی اخلاقی در مورد سرگرمی را امری دشوار و ناممکن به شمار آورند. بنابراین، سؤالی مبنایی در این خصوص، این است که آیا اخلاق اسلامی، می‌تواند و باید در این زمینه، شاخصه‌های کلی اخلاقی ارائه کند، یا اینکه تنها در امور جزئی، که طبعاً معدود و محدود به زمان صدر اسلام خواهد بود، می‌توان دیدگاه‌های اسلامی را جست‌وجو کرد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت:

اولاً، این فکر که ملاحظات اخلاقی اسلامی، در مورد سرگرمی‌ها جزئی و ناچیز است، ناشی از نشناختن مبانی اخلاق اسلامی است؛ چراکه جهان‌بینی، مبدأ، معاد شناسی و برنامه تکامل انسان و انسان‌سازی اخلاق اسلامی، همگی حاکی از این است که اسلام برای همه عرصه‌های زندگی انسان برنامه دارد. سرگرمی‌ها نیز در همین برنامه در نظر گرفته شده‌اند. به گفته محققان، نخستین انتظار از دین خاتم این است که به جای ارائه برنامه‌های موقتی، حسب وضع و حال یک جامعه و یک دوره تاریخی خاص، که توسط آیین‌های پیشین آورده می‌شد، آورنده یک قانون اساسی جامع و فرازمان و فرامکان باشد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۶-۳۰).

ثانیاً، دین خود نوعی برنامه زندگی است. سرگرمی‌ها نیز به عنوان عرصه مهمی از زندگی انسان، تحت پوشش تعالیم دینی قرار دارند. در این راستا، موارد جزئی و خاص، به منزله ارشاد و راهنمایی به اصول کلی و راهی برای کشف حکم اخلاقی دیگر موارد جزئی خواهند بود.

ثالثاً، افزون بر این، وجود تعالیم کلی و ارشاد به مسائل جزئی و راهنمایی‌هایی برای رفع تعارضات اخلاقی و امثال آن، در مسائل مختلف از جمله سرگرمی، خود بهترین دلیل برای این مدعاست. پس از بیان این نکات، به بررسی برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های کلی اخلاقی در زمینه سرگرمی‌ها می‌پردازیم:

### توحیدگرایی

مقصود از «توحیدگرایی» در بحث سرگرمی، این است که امیال و حرکات انسان، از جمله میل به سرگرمی باید همگی در راستای پرستش خدا و حرکت انسان به سوی کمال حقیقی خود باشد، یاد ست‌کم مخالفی با آن نداشته باشد. در آیات متعددی، توجه به یگانه‌پرستی در گذران اوقات فراغت گوشزد شده است. به عنوان نمونه، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (جمعه: ۱۱)؛ و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند، به سوی آن روی آور می‌شوند و تو را درحالی که ایستاده‌ای ترک می‌کنند، بگو آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است.

در این آیه، دلیل بی‌توجهی به نماز، که مظهر واقعی توحیدگرایی است، سرگرم شدن به امور دنیایی است. همین مسئله موجب نکوهش این‌گونه سرگرمی‌ها شده است. بنابراین، فعالیت فراغتی نباید موجب شود تا هدف غایی و واقعی رها شود. به عبارت دیگر، در سبک زندگی مؤمنانه، ایده‌آل و هدف یکی است. همه اعمال انسان از جمله سرگرمی‌ها، در راستای همان قرار می‌گیرد. البته منظور از «توحیدگرایی»، عدم مخالف سرگرمی با این اصل اخلاقی است. همان‌طور که در نکته سوم گفته شد، این عدم مخالفت، خود الزام اخلاقی محسوب می‌شود؛ لازم نیست همه سرگرمی‌های انسان مروج عقاید توحیدی باشند، بلکه همین قدر که در عمل، مخالف با این اصل اعتقادی اخلاقی نباشند، در راستای آن محسوب می‌شوند؛ از منظر دینی نیز مؤیداتی در این زمینه وجود دارد. مثلاً، در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سرگرمی مؤمن در سه چیز است: لذت بردن از همسر، شوخی با دوستان و نماز شب» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۱).

در این روایت، عمل عبادی چون نماز شب، که مروج عقاید توحیدی نیز هست، «سرگرمی» خوانده شده است. اما در کنار آن، اموری چون بهره‌وری از همسر، شوخی با دوستان نیز سرگرمی خوانده شده است. با وجود اینکه این امور فی‌نفسه، مروج اعتقاد به توحید نیستند؛ چون به صورت طبیعی، مخالف

با یگانه‌پرستی محسوب نمی‌شوند و در راستای آن قلمداد می‌شوند. بنابراین، اگر کسی سمت و سوی اعمالش به سمت یگانه‌پرستی باشد، سرگرمی‌های او نیز به سمت همین هدف سوق می‌یابد. این سرگرمی‌ها، آرمانی و مطلوب محسوب می‌شوند.

بنابراین، عدم مخالفت سرگرمی با توحیدگرایی لازم است. یکی مظاهر توحیدگرایی، نفی سلطه سلطه‌گران و طاغوتیان است. این امری است که از اعتقاد به توحید سرچشمه می‌گیرد. مقام معظم رهبری در مورد ارتباط توحیدگرایی و نفی سلطه طاغوتیان می‌فرماید:

توحید صرفاً یک نظریه فلسفی و فکری نیست، بلکه یک روش زندگی برای انسان‌هاست. خدا را در زندگی خود حاکم کردن و دست قدرت‌های گوناگون را کوتاه کردن. لا إله إلا الله که پیام اصلی پیغمبر ﷺ ما و همه پیغمبران است، به معنای این است که در زندگی و در مسیر از سان و در انتخاب روش‌های زندگی، قدرت‌های طاغوتی و شیطان‌ها، نباید دخالت کنند. اگر توحید در زندگی جامعه بشری تحقق پیدا کند، دنیای بشر هم آباد خواهد شد؛ دنیایی در خدمت تکامل و تعالی حقیقی انسان. (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۳۴).

تطبیق این مسئله در بحث سرگرمی، ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که هر سرگرمی، که به نوعی سلطه‌پذیری و انضام از نظام‌های سیاسی فرهنگی اقتصادی و امثال آن را ترویج می‌کند، امری مذموم و ناپسند است و با توحیدگرایی منافات دارد. این شاخصه، در بخش حفظ کرامت انسانی بیشتر توضیح داده می‌شود.

## قرب الهی

قرب الهی، هدف خاص و اصلی در سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود. این واژه، می‌تواند در الگودهی و ارائه معیار ارزش‌گذاری افعال مختلف انسان، از جمله سرگرمی‌ها تأثیرگذار و تعیین‌کننده باشد؛ چرا که برخی از متفکران اسلامی، عمل خوب را به عملی که موجب قرب الهی می‌شود و عمل بد را به عملی که مانع از قرب الهی می‌شود، تعریف کرده‌اند (حسینی‌تهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۸، ص ۱۶۰). برای تعیین این معیار، باید ابتدا مفهوم «قرب الهی» مشخص شود.

در معنای «قرب الهی»، نظریه‌پردازی‌های گوناگونی شده است. در مورد مفهوم قرب گفته شده که قرب، یعنی نزدیکی و در اصطلاح «عبارت از اطاعت است که طاعت موجب تقرب مطیع به مطاع [اطاعت‌کننده به سوی اطاعت شده] می‌شود و قرب را اطاعت دانند که مسبب طاعت است». همچنین، گفته شده «قرب آن است که هر چه پیش آید، از میان برداری و آنچه حائل میان محب و محبوب است، برطرف کنی» (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۷۵). برخی نیز معتقدند: معنای قرب در عبارت نمی‌گنجد.

آن را در عبارت این‌گونه توصیف کرده‌اند: «قرب آن است که تو در وی گم شوی، خود را و غیر خود را گم کنی و هیچ ندانی که کجا بودی و از کجا آمدی و مطلقاً از او عبارت نتوانی کرد» (کاشفی و معینان، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۲۱۴). برخی نیز قرب الهی را حاصل رسیدن به کمالاتی می‌دانند که پویندگان راه عبودیت و بندگی، به آن دست می‌یابند (رضوانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۲۳).

در قرآن نیز در مورد «قرب الهی» آمده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوسًا بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۱۶)؛ و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه و سوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم.

به قرینه ابتدای آیه، مراد از «قرب» در این آیه، قرب تکوینی خداوند به مطلق انسان‌ها است؛ اعم از اینکه از اولیای الهی باشند یا نباشند. آنچه مد نظر است، اصطلاح خاصی است که از اطاعت الهی سرچشمه می‌گیرد و شامل همه انسان‌ها نمی‌شود. بنابراین، مدلول آیه از این جهت، با بحث ما متفاوت است. اما از این جهت که معنای قرب در این آیه، متضمن یک نوع قرب روحانی است، با بحث این مقاله مرتبط است. از این رو، مراد از اصطلاح «قرب»، قرب مکانی نیست؛ یعنی خداوند زمان و مکان ندارد تا در یک مکان نزدیک، مثلاً در قسمتی از بدن انسان تعبیه شده باشد. بنابراین، از آیه استفاده می‌شود که قرب تنها به معنای قرب مکانی نیست. در تفسیر «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم: ۸)؛ گفته شده قرب، گاهی مکانی است و گاهی روحانی و مراد از قرب الهی نیز نوعی قرب روحانی است (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۲).

به نظر می‌رسد، قرب الهی به نوعی قرب روحانی و مرتبه‌ای از کمال است که از اطاعت آنچه مد نظر شارع است حاصل می‌شود. در این تعریف، به نکات زیر توجه شده است:

- قرب الهی، نوعی قرب روحانی، در مقابل قرب مکانی است.
  - قرب الهی، نوعی کمال اکتسابی است.
  - قرب الهی، از اطاعت آنچه مد نظر شارع است، حاصل می‌شود.
- منظور از آنچه مد نظر شارع است، چیزهایی است که خداوند به وسیله پیامبرانش تشریح کرده و آنچه بشر با عقل و فطرت خود، درمی‌یابد.

با روشن شدن نسبی مفهوم قرب الهی، باید مشخص کرد که این مفهوم، چه معیارهایی را در عرصه سرگرمی‌ها مشخص می‌کند. در این خصوص، اعمال انسان را به سه قسم می‌توان تقسیم کرد:

- آنچه موجب دوری از خداوند است.

- آنچه موجب نزدیک شدن به خداوند و قرب الهی شود.

- آنچه نه موجب قرب و نه و موجب دوری از خداوند می‌شود.

مسئله آنچه موجب دوری از خداوند است به هر اندازه تأثیر، ناپسند است. همچنین، آنچه موجب نزدیک شدن به خداوند و قرب الهی شود، به هر اندازه تأثیر، پسندیده است. عبارت «به هر اندازه تأثیر» اشاره به مراتب و درجات مفاهیم ارزشی خوب و بد دارد. مثلاً، اگر دو عمل مقرب با هم تراحم کنند، باید عملی که موجب قرب بیشتری می‌شود، برگزیده شود. این مسئله، نشان می‌دهد که قرب الهی خود معیاری اخلاقی محسوب می‌شود.

اما تکلیف اخلاقی در اعمالی که نه موجب قرب و نه و موجب دوری از خداوند می‌شود، چیست؟ در پاسخ این سؤال به نظر می‌رسد، در کنار قرب الهی در سرگرمی‌ها، مقاصد دیگری نیز می‌توانند ظهور و بروز داشته باشند. مقاصدی همچون احساس نشاط، آرامش، شوک حسی، تهییج، وجد، شغف، شادی، خوشحالی، شادمانی، خرسندی، زندگی عاطفی غنی‌تر و مثبت‌تر، تمدد اعصاب، تنش کمتر، رفع رخوت، استراحت. انجام سرگرمی، به قصد چنین مقاصدی، گاه نه موجب نزدیک شدن به خدا و نه موجب دوری از خدا است. باید گفت که اصل بر جواز اخلاقی سرگرمی‌ها است. چیزی که دلیلی برای بد بودن آن وجود ندارد، طبیعتاً باید جایز باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد در این شاخصه اخلاقی، باید بر بعد سلبی تأکید شود. به عبارت دیگر، عدم مخالفت با قرب الهی، الزامی اخلاقی محسوب می‌شود؛ لازم نیست سرگرمی موجب قرب الهی شود تا مشروع و جایز باشد. همین قدر که مانع قرب الهی نباشد، کافی است. توضیح اینکه سرگرمی‌هایی چون دیدن فوتبال، ورزش به قصد صرفاً تفریح و امثال آن، از مواردی هستند که هر فرد می‌تواند به آنها بپردازد. این نوع سرگرمی‌ها فی‌نفسه و به خودی خود، موجب قرب الهی نمی‌شوند. اما اگر کسی سمت و سوی حرکت و رفتار او، در جهت فرمان‌های الهی و رسیدن به قرب باشد، لاجرم سرگرمی‌هایی را برمی‌گزیند که در این راستا باشند و به هدف او کمک کند. مثلاً، ورزش می‌کند تا برای اعمال عبادی و یا کار و کسب حلال نشاط داشته باشد، یا اینکه تفریح خویش را خود عبادت قرار می‌دهد. در این صورت می‌توان گفت: این سرگرمی‌ها موجب قرب الهی می‌شوند.

بنابراین، در تبیین یکی از شاخصه‌های سرگرمی اخلاقی در سبک زندگی مؤمنانه، می‌توان گفت: «بهترین سرگرمی این است که یا خود موجب قرب الهی باشد، و یا اینکه در مسیر آن واقع شود». اینکه سرگرمی خود موجب قرب الهی باشد، در مواردی چون کمک به دیگران و انجام امور خیریه، به عنوان

تفریح و سرگرمی به چشم می‌خورد. اما اینکه سرگرمی در مسیر قرب الهی قرار گیرد، به این معناست که سرگرمی زمینه اعمال عبادی و سایر اموری را که به قرب الهی منتهی می‌شوند، را مهیا کند. مثلاً، مؤمن برای رفع خستگی مقداری به سرگرمی می‌پردازد تا پس از احیای قوا، به امور عبادی خود برسد. در این صورت، امور عبادی، مستقیماً موجب قرب الهی می‌شوند. سرگرمی نیز به صورت غیرمستقیم در قرب او به خداوند، مؤثر است.

### توجه به عالم غیب

یکی از مبانی و مفاهیمی که در اخلاق اسلامی وجود دارد، اعتقاد به عالم غیب است. «غیب»، به آنچه خارج از ادراک حواس پنج‌گانه است، تعریف شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۱۶). شناخت این امور، از طریق عقل و وحی حاصل می‌شود. برخی از امور غیبی، که در دین مطرح هستند، عبارتند از: خداوند، قیامت، بهشت، جهنم، عقاب و ثواب، رجعت و احوالات انبیاء گذشته یا حوادث آینده، امام زمان علیه السلام. اعتقاد به غیب، یک مبنای هستی‌شناختی است. مدعای آن، وجود غیب در بسیاری از حقایق دینی و غیردینی است که به تفصیل در کتب اخلاقی و اسلامی مطرح شده است (المصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۲۸۹-۲۹۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۳-۷۷). در خصوص سرگرمی‌ها نیز نمی‌توان این مبنای اعتقادی را نادیده گرفت. بنابراین، باید گفت: سرگرمی در نوع آرمانی خود، تقویت‌کننده اعتقاد به عالم غیب است. انسان مؤمن در سبک زندگی خویش، سرگرمی‌هایی را ترجیح می‌دهد. برای نمونه، در تعالیم دینی، وعده بهشت را که از امور غیبی است در قبال انجام آن، وعده داده‌اند.

در این اصل اخلاقی، منظور از «قید آرمانی» این است که الزام اخلاقی ما در جنبه سلبی قضیه و گزاره اخلاقی است؛ یعنی لازم نیست سرگرمی حتماً موجب تقویت اعتقاد به عالم غیب شود، بلکه همین قدر که موجب از بین رفتن اعتقاد به عالم غیب نباشد، از نظر اخلاقی صحیح است. به عنوان نمونه، سرگرم شدن به آنچه در دین اسلام به آن وعده عذاب داده شده است، مانند قمار و استعمال مسکنده‌ها و امثال آن، در تضاد با اعتقاد به عالم غیب محسوب می‌شود. در مقابل، سرگرمی‌هایی که موجب توجه انسان سرگرم‌شده به عالم غیب می‌شود، مانند سرگرم شدن به نماز، سرگرمی مطلوب دانسته می‌شود.

با توجه به نقش فراغت و سرگرمی در تربیت انسان کامل، استفاده از سرگرمی‌ها، برای رسیدن به قرب الهی، امری دور از ذهن نیست، هرچند در دنیای امروز مغفول مانده است.

## واقع گرایی

منظور از «واقع گرایی»، توجه به عالم واقعی و دوری از پرداختن به امور وهمی و غیرواقعی است. یکی از پیامدهای سرگرمی، دور شدن از واقعیات و پرداختن به امور وهمی است. سرگرمی‌های مخرب، از این جهت که فرد را به اموری غیرواقعی سوق می‌دهند، دارای جذبه و کششی کاذب هستند. به گفته محققان، افراد غالباً با هدف خلسه‌زایی، فرار از واقعیات، تسکین آلام روحی، فرو خواباندن آشوب‌های ذهنی، رهایی از وظیفه و مسئولیت، جبران توهمی شکست‌های زندگی، دهن‌کجی به قاعده‌مندی‌های محیطی و...، به سرگرمی‌های مذموم متوسل می‌شوند (باهنر و شرف‌الدین، ۱۳۹۱).

بنابراین، افراط در پرداختن به امور وهمی و غیرواقعی، امری مذموم و غیراخلاقی است؛ چراکه انسان را از واقعیت و روند زندگی خود دور می‌سازد. او را به بی‌مسئولیتی و بطالت سوق می‌دهد. اما همان‌طور که افراط در پرداختن به امور وهمی و غیرواقعی قبیح و ناپسند است، تفریط در این زمینه نیز مذموم است. شاید به نظر برسد که توهم امری است که ذاتاً مذموم است، درحالی‌که این‌گونه نیست. آنچه می‌توان برای استفاده از سرگرمی‌ها تجویز نمود، دوری از برخی از واقعیاتی بیهوده است که به نحوی موجب ضرر می‌شوند. غفلت از این امور، موجب نفعی مشروع برای سرگرم شونده می‌شود. مثلاً، کسی که «درد دندان» دارد، با واقعیتی تلخ به نام دندان درد دست به گریبان است. برای درمان باید از داروی بی‌حسی استفاده کند. در مورد چنین شخصی، نمی‌توان گفت: درد دندان یک واقعیت است و نباید از آن فرار کرد. در مورد سرگرمی‌ها نیز وضع همین‌گونه است. سرگرمی راهی برای خلاصی از غم‌ها، مشکلات زندگی و ضرورتی انکار نشدنی در همین زمینه است. گرفتاری‌های مادی و مشغله‌های زندگی، گاهی به اندازه‌ای زیاد هستند که به شخص آسیب روحی و جسمی وارد می‌کنند. در این موارد، بهتر است فرد خود را از این واقعیات دور کند، تا بتواند بهتر بیندیشد و با آنها مقابله کند. سخنان حضرات معصومین علیهم‌السلام در خصوص تقسیم خردمندانه اوقات روزانه، که بخشی از آن برای بهره‌جویی از حلال قرار می‌داده می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۲۵) بر همین مبناست. در این روایات، تأکید شده است که استراحت و تفریح سالم، زمینه‌ساز انجام بهتر سایر امور زندگی است. طبیعی است که وقتی فرد با تفریح و سرگرمی، قوای خود را تجدید نموده، بهتر می‌تواند عبادت کند و یا به دیگر امور زندگی بپردازد.

بنابراین، اصل اخلاقی در زمینه واقع‌گرایی به این صورت تبیین می‌شود: «باید در پرداختن به سرگرمی‌های وهم‌انگیز، اعتدال و میانه‌روی را رعایت کرد».

## دوری از سرگرمی بیهوده و عبث

یکی از آسیب‌های سرگرمی، بیهوده‌کاری و صرفاً اتلاف وقت است. به نظر برخی کارشناسان تعلیم و تربیت، در دنیای امروز، افراد کمتر همه ساعت‌های بیداری و روزانه خود را به کارهای جدی می‌گذرانند. هر فرد معمولاً بخشی از فعالیت‌های خویش را امور سرگرم‌کننده، غیرجدی، خنده‌آور، مهمل و بیهوده قرار می‌دهد. گویی در انسان، حالتی و یا نیازی هست که او را به انجام دادن کارهای بیهوده، ترغیب می‌کند. فرد حتی در ساعاتی که مشغول کارهای جدی و تولیدی خویش است، لحظه‌هایی را به بازی و شوخی می‌گذرانند. این‌گونه فعالیت‌ها، که هدف معلومی ندارند و منفعتی را به دنبال نمی‌آورند، مانع جدی برای فعالیت تولیدی و اقتصادی و نیز عبادی هستند. تمایل به فراغت و فعالیت‌های فراغتی، تقریباً در همه مردم و در طول همه عمر هر فرد، از کودکی تا کهن سالی، وجود دارد. پس، این یک مسئله تعلیم و تربیتی است و برای حل آن باید اندیشه‌های جدید (آموزگار، ۱۳۶۱، ص ۷۸).

با توجه به اهمیت این مسئله، اسلام نیز در این خصوص، احکام کلی در مورد فعل عبث و احکام جزئی در خصوص سرگرمی دارد. در این خصوص، حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «از سرگرمی (نامشروع) دوری کن؛ پس به‌درستی که تو بیهوده آفریده نشده‌ای، تا به سرگرمی بیهوده مشغول شوی و واگذاشته نخواهی شد تا به بیهودگی پردازی» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۵). همچنین در آیات مختلف قرآن (مؤمنون: ۱۱۵؛ شعرا: ۱۲۸)، فعل عبث و بیهوده مذمت شده است. نمونه دیگر مخالفت دین اسلام با سرگرمی‌های بیهوده، مخالفت با سرگرمی‌هایی است که موجب اندوه می‌شوند. حال این اندوه ممکن است در سرای آخرت و یا حتی در همین دنیا باشد. در همین زمینه، در روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است چه بسا لهُو و سرگرمی، موجب کدورت انسان آزاده‌ای می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۸۰). یکی از اهداف مورد انتظار و شاید مهم‌ترین هدف سرگرمی، تفریح و شادی است. روشن است که سرگرمی غم‌افزا، امری نامعقول و نقض غرض از انجام سرگرمی و امری بیهوده محسوب می‌شود. بنابراین، در تبیین این شاخصه باید گفت: «مؤمن نباید در سبک زندگی خود، امور بیهوده، از جمله سرگرمی‌های بیهوده را بر امور بافایده ترجیح دهد».

حال، معیار بیهودگی چیست؟ برای روشن شدن این مطلب، بهتر است ابتدا معنی «عبث» روشن شود. معنای «عبث» در لغت، عبارت است از: عملی که غرض عقلانی و فایده قصد شده ندارد

(المصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۱۰). بنابراین، این تعریف معیار بیهودگی نبودن غرض عقلانی است؛ یعنی نوع عقلا و اکثر آنها چنین عملی را بیهوده و بی‌فایده و بدون نفع بدانند. البته ممکن است عقلا و نوع مردم، متوجه نفع و ضرر واقعی برخی از اعمال نشوند. در این صورت، وقتی نفع و ضرر هر فعل مشخص نباشد، چگونه می‌توان گفت آن فعل بیهوده است، یا نه؟ برخی برای حل این مسئله، تنها نفع مادی را معیار ارزشمند بودن و فایده داشتن دانسته‌اند. در تعالیم اسلامی، برای حل این مشکل یک مجموعه سود و زیان‌هایی مطرح می‌شود که در دنیای امروز ناشناخته است. مثلاً، اعتقاد به وجود سرای آخرت، سودهای اخروی را برای انسان مؤمن مطرح می‌کند. انسان مؤمن، به قصد رسیدن به این سودها، از سودهای زودگذر دنیایی چشم می‌پوشد. انفاق و بخشیدن اموال، که تعارض آشکار با منافع ظاهری انسان دارد، در پرتوی همین باورها امری عقلایی محسوب می‌شود. در عرصه سرگرمی‌ها نیز در کنار برداشت نوع عقلا، باید سود و زیان‌هایی که شرع آنها را مشخص کرده، مد نظر قرار گیرد.

### حفظ کرامت انسانی

«حفظ کرامت انسانی» از اهداف متعالی دینی است. در همین زمینه در قرآن آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰)؛ و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

کرامت انسان، به‌گونه‌ای است که حتی خود انسان‌ها نیز حق ظلم به خودشان را ندارند. البته لازم به یادآوری است که اسلام، انسان‌گرایی یا نوع‌گرایی یا انسان‌خدایی و مفاهیمی از این دست را قبول ندارد. از منظر اسلام، خداگرایی دارای ارزش ذاتی و حقیقی است. آنچه به عنوان کرامت ذاتی از سان مطرح است، به معنی تقوق و برتری نوع انسان، بر دیگر مخلوقات و اینکه انسان شریف‌ترین وجود تمام کائنات باشد نیست، چه‌بسا انسان‌هایی که شأنشان از حیوانات نیز کمتر است. بنابراین، موجود برتر خدا است و سایر موجودات کرامت خود را از خداوند می‌گیرند. تکریم انسان نیز به اراده اوست. انسان حق ندارد حقوق و موازین اخلاقی دیگر موجودات را زیر پا بگذارد.

در خصوص سرگرمی نیز انسان باید از سلطه فکری و سیاسی به وسیله سرگرمی بپرهیزد. در معرفت توحیدی، نفی سلطه غیر خداوند وجود دارد. در این زمینه، متفکران غیرمسلمان انتقاداتی را به

سلطه فرهنگی سیاسی سرگرمی‌ها مطرح کرده‌اند. نمونه آن نظریات رایزمن است. وی در ابتدا همسو با شلسکی و دومازیه تصور می‌کرد، که در تمدن نوظهور فراغت، نظام طبقاتی از بین خواهد رفت. با وجود این، خود رایزمن چند سال بعد در این مورد تجدید نظر کرد. به نظر او، فراغت در جامعه معاصر در ایجاد سلطه جامعه بر فرد، نقش تعیین‌کننده دارد (شهیدی، ۱۳۸۷). با توجه به مفهوم سرگرمی، که اساس آن بر انتخاب آزادانه و اختیار انسان مبتنی است، به نظر می‌رسد سلطه فکری به نحوی که فرد را گمراه کند، در سرگرمی نقض غرض محسوب می‌شود.

البته باید توجه داشت که بسیاری از سرگرمی‌های امروزی، بر پایه علائق و سلیق مخاطبان خود شکل می‌گیرند، از این رو، مسئولیت اخلاقی حفظ کرامت انسانی، علاوه بر سیاستمداران و سرمایه‌داران و متولیان صنعت سرگرمی، تا حدودی متوجه مخاطب این سرگرمی‌ها نیز هست. سرگرمی‌هایی که به حرمت انسان‌های دیگر آسیب می‌رساند، با آبروی دیگران بازی کردن، به عنوان سرگرمی و مسخره کردن دیگران، برای شاد شدن، مصادیقی از این موضوع هستند.

### سرگرم نشدن به گناهان

از گناه در قرآن، با واژه‌های گوناگونی از قبیل ذنب، اثم، سیئه، معصیت، خطیئه، جرم، منکر، فاحشه، شر و... یاد شده است. در مورد اقسام گناه نیز برخی، آن را به گناهان کبیره و صغیره و برخی به گناهان بدنی و غیربدنی نیز تقسیم کرده‌اند (ترابی سفیدآبی، ۱۳۸۴، ص ۱۸). در تعریف گناه گفته شده:

گناه به معنای سرپیچی و خطا و لغزش و مخالفت با امر و نهی مولا است؛ یعنی انجام کاری که در نظر مولا و خالق، ناپسند و نکوهیده است. چون دارای مفسده است، مورد نهی قرار گرفته و یا انجام ندادن و ترک کاری که به جهت مصلحت واجب شده است؛ بنابراین، گناه مخالفت با عبودیت و بندگی است (به نقل از سایت اسلام کوئست).

با توجه به معنی گناه و با تأمل در نکوهش‌ها و مذمت‌ها در خصوص سرگرمی، باید گفت: برخی از این سرگرمی‌ها، به خودی خود مذموم و مصادق گناه هستند. برخی دیگر، به این جهت که مقرون به گناهی هستند، مذمت و نکوهش شده‌اند. به عنوان نمونه، برخی معتقدند: رقص به عنوان یک سرگرمی، به خودی خود حرام و گناه است (بهجت، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۵۳۱). در حالی که عده‌ای دیگر، رقص را به دلیل اینکه موجب یا مقرون به حرام است، جایز ندانسته‌اند (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۴؛ خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۷۴).

چنانچه ملاحظه می‌شود، همراهی با گناه خود عاملی مجزا و تعیین‌کننده در نامطلوب بودن سرگرمی‌هاست؛ چه بسا خود سرگرمی امری جایز باشد، اما چون مقرون به حرام و گناهان دیگری است، ناپسند گردد. توجه به این مسئله، وقتی اهمیت دارد که در بسیاری از گناهان، قصد فرد گناهکار تفریح و سرگرمی است. شاید از عمده دلایل نهی از سرگرمی در شرع، همین قصد تفریح و سرگرمی در گناهان باشد. در این خصوص، انواع گناهان مانند دروغ، غیبت، چشم‌چرانی، دزدی، مصرف مست‌کننده‌ها و حتی قتل نفس، می‌توانند به قصد سرگرمی انجام شود. بنابراین، باید در سبک زندگی اسلامی، سرگرمی‌هایی انتخاب شوند که خود آنها یا منشأ آنها یا نتیجه آنها و یا امر مقارن با آنها، گناه نباشند.

### اعتدال در پرداختن به سرگرمی

اعتدال در انجام فعالیت فراغتی، یکی دیگر از الزامات اخلاقی است که در سرگرمی‌های مجاز و معمول مطرح است. مجاز بودن یک سرگرمی، تا جایی است که افراط یا تفریط در آن، موجب بروز مشکل در زندگی انسان نشود. بنابراین، جلوگیری از افراط و تفریط در سبک زندگی مؤمنانه، در عرصه سرگرمی امری لازم است. در همین زمینه، اهمیت به فرهنگ کار و تولید در کنار فرهنگ فراغت و مصرف، امری ضروری است. امروزه، در سبک زندگی مادی و غیراسلامی، مصرف و فراغت ارزش به مراتب بالاتر از تولید و کار پیدا کرده است. در دین اسلام، پرداختن به امور دنیوی و مشغولیت روزمره، به آنچه انسان را از اهداف بلندمدت و اصلی خود باز می‌دارد، امری مذموم تلقی شده و از آن به شدت نهی شده است. مانند آنچه در آیات ابتدای سوره تکوین آمده است. خداوند می‌فرماید: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (تکاور: ۱-۳)؛ تفاخر به بیشتر داشتن شما را غافل داشت تا کارتان [و پایتان] به گورستان رسید چنین نیست که شما خیال می‌کنید به زودی خواهید دانست. در این آیات، کسانی که به مال‌اندوزی و تفاخر به آن سرگرم شده‌اند، به شدت تهدید به عذاب الهی شده‌اند. این مسئله بیانگر شدت زشتی عمل نزد شارع است.

لازم به یادآوری است که ارزش‌گذاری افعال، امری است که از شرایط محیطی آن فعل نیز تأثیر می‌پذیرد. مثلاً، بازی کردن برای کودکان امری لازم است و موجب رشد اخلاقی و عاطفی و جسمی آنان می‌شود. درحالی‌که بازی‌های کودکانه، برای بزرگسالان چنین فوایدی را ندارد و امری خارج از حد اعتدال و غیراخلاقی محسوب می‌شود. بنابراین، با در نظر گرفتن شرایط فرد و محیط اجتماعی و اقتضائات سنی و شرایط گوناگون دیگر، معنای اعتدال در سرگرمی‌ها مشخص می‌شود.

همچنین، چنانچه پرداختن زیاد به یک سرگرمی ارزش داشته باشد، این مشغولیت افراطی نخواهد بود. مراد از «افراط» و «تفریط» پرداختن به مشغولیتی بدون رعایت اهمیت آن است. مثلاً، سرگرم شدن به ورزش تا هنگامی که فایده شرعی و عقلی داشته باشد، افراطی محسوب نمی‌شود. هرچند تعداد دفعات ورزش کردن زیاد باشد. اما اگر این سرگرمی خود موجب آسیب جسمی، یا باز ماندن انسان از دیگر اهداف خود شود، امری مذموم و افراطی محسوب می‌شود. بنابراین، در معیار افراط و تفریط تنها به تعداد دفعات انجام سرگرمی توجه نمی‌شود. در تبیین این شاخصه باید گفت: «در پرداختن به سرگرمی باید اعتدال رعایت شود».

### عقلانی بودن

در دین اسلام، به رویه‌های عقلایی موجود در طول اعصار اهمیت داده شده است. در میان بسیاری از متفکرین اسلامی، آنچه عقلا درک یا عمل می‌کنند، با برخی از شرایط دلیل شرعی محسوب می‌شود. سرگرمی، که یکی از فعالیت‌های انسان در زندگی است، با این معیار اخلاقی سنجیده می‌شود. در این زمینه، دو شرط برای عمل به سیره عقلا به نظر می‌رسد:

۱. اینکه این فهم و رویه عقلانی از سوی شارع منع نشده باشد. مثلاً، عقلا ایجاد شادی و دفع غم را امری بایسته و لازم می‌دانند. این سیره عقلایی، در زمان صدر اسلام هم وجود داشته، معصومان علیهم‌السلام هم نه تنها آن را رد نکرده‌اند، بلکه به آن سفارش نیز کرده‌اند. از این سیره عقلانی می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد سرور و خرسندی از منظر اسلام، امری مطلوب و اخلاقی است. سرگرمی نیز از این جهت که ایجاد شادی و تفریح می‌کند، امری مطلوب است.

۲. شرط دوم که خود از شرط اول ناشی می‌شود، اینکه چنین فهم عقلانی در زمان معصومان باید وجود داشته باشد؛ چراکه اگر این سیره و فهم عقلانی در زمان معصومان وجود نداشته باشد، تأیید یا رد آن نیز متفی خواهد بود. بنابراین، اگر در زمان صدر اسلام، سیره‌ای که در حال حاضر در سرگرمی‌ها وجود دارد، موجود بوده و معصومان علیهم‌السلام هم به آن اعتراضی نکرده‌اند، این سیره برای ما دلیل اخلاقی محسوب می‌شود. اما اگر این سیره وجود نداشته باشد، نمی‌توان به آن برای قضاوت اخلاقی تمسک جست. مثلاً، رعایت قانون کپی‌رایت یک سیره عقلانی است. این سیره، به دلیل اینکه با پیشرفت فناوری به وجود آمده، در زمان معصومان وجود نداشته است. در چنین مواردی، نمی‌توان به سیره عقلانی رعایت قانون کپی‌رایت تمسک کرد و اخلاقاً ملتزم به رعایت آن شد، بلکه باید راه‌های دیگری را انتخاب کرد. مانند سیره عقلانی در زمینه دفع ضرر و جلب منفعت، که در زمان معصومان نیز وجود داشته است.

نکته دیگر در خصوص سیره عقلا، اینکه چرا باید رویه عقلا به تأیید شرع نیز برسند؟ به نظر می‌رسد، این مطلب به علت این دلیل که چه‌بسا عقول مردم به صورت جمعی نیز دچار اشتباه می‌شوند. این اشتباه، به علت درهم‌آمیختگی عقل و شهوت و امیال نفسانی انسان‌ها و عدم آگاهی بشر به جوانب و احتمالات مختلف در یک مسئله اخلاقی است. بنابراین، ممکن است آنچه امیال نفسانی انسان‌ها، وجود سنت‌ها و عادات اجتماعی عقلا را به اشتباه بیندازد و رویه آنان را تحت تأثیر قرار دهد. مثلاً، ممکن است عده‌ای بپندارند که قمار یک ضرورت انکار نشدنی در سرگرمی‌ها است و این میل نفسانی را به اشتباه به سیره عقلا نسبت بدهند. در این زمینه، منع شارع از قمار، برای ما مشخص می‌کند که حکم واقعی و عاقلانه، دوری از ضرر رساندن به خود و دیگران است. از منظر نوع عقلا، منافع بلندمدت اخروی در تضاد با چنین درآمدهایی است که موجب ضررهای متعددی، چون دشمنی و کینه فرد بازنده، عیاشی و هرزگی قمارباز، دوری از یاد خدا می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، می‌توان با جدل و مغالطه در عقلانی بودن یک مسئله، باطلی را حق و حقی را باطل جلوه داد. بنابراین، در این معیار باید منابع دینی نیز ملاحظه شود تا افراد سودجو افکار غلط خود را به اسم پیروی از رویه عقلایی توجیه نکنند.

### نتیجه‌گیری

در تعریف شاخصه‌های اخلاقی می‌توان گفت: شاخصه‌های اخلاقی، یا همان اصول و گزاره‌های اخلاقی معمولاً از ترکیب مفاهیم ارزشی با موضوعاتی چون افعال و صفات انسان به وجود می‌آیند. سرگرمی‌ها نیز به عنوان یک فعل اختیاری، موضوع این مفاهیم ارزشی هستند. چهار مفهوم کلیدی در خصوص شاخصه‌های اخلاقی عبارتند از: الزام ایجابی (باید)، الزام سلبی (نباید)، رجحان ایجابی (شایسته است) و رجحان سلبی (شایسته نیست). در تبیین اصول و شاخصه‌های سرگرمی اخلاقی، باید توجه داشت که آنچه در اصول و شاخصه‌های اخلاقی، مطرح می‌شود، از عناصر پیچیده محیطی چون اقتضائات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نیز تأثیر می‌پذیرد. باید گاهی اصول کلی را بر مصادیق تطبیق داد و گاهی مصادیق خارجی را منشأ تغییر و تصحیح اصول کلی قرار داد.

با توجه به آنچه گذشت، سرگرمی مطلوب داری این شاخصه‌ها است: در راستای یگانه‌پرستی است، موجب قرب الهی است، با توجه عالم غیب صورت می‌پذیرد، واقع‌گراست، بیهوده و عبث نیست، کرامت انسانی در آن حفظ می‌شود، مقرون یا مستلزم گناهی نیست، در پرداختن به آن اعتدال رعایت می‌شود، همچنین مطابق با رویه عقلانی است.

## منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- آموزگار، محمدحسن، ۱۳۶۱، *تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی.
- باقری شاهرودی، محمد، ۱۳۹۴، *ویژه‌نامه فقه و مسئله تفریح و شادی*، سایت شبکه اجتهاد، (تاریخ مشاهده: ۹۴/۴/۱۵).
- باهنر، ناصر و سیدحسین شرف‌الدین، ۱۳۹۱، «تکاپوی نظری برای کشف مواضع هنجاری اسلام درباره سرگرمی»، *معرفت فلسفی*، ش ۳۶، ص ۱۵۷-۱۹۴.
- بهجت، محمدتقی، ۱۴۲۸ق، *استثنائات*، قم، دفتر آیت‌الله بهجت.
- ترابی سفیدآبی، لایلا، ۱۳۸۴، «گناه چیست و آثار آن کدام است؟» *بشارت*، ش ۴۷، ص ۱۸-۲۰.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب اسلامی.
- حسینی تهرانی، محمدحسین، ۱۴۲۳ق، *معادشناسی*، مشهد، نور ملکوت قرآن.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی بن جواد، ۱۴۲۰ق، *أجوبة الإستفتاءات*، بیروت، الدار الإسلامية.
- خویی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۶ق، *صراط النجاة (المحشی)*، قم، مکتب نشر المنتخب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، لبنان، دارالعلم.
- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۴، *شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات*، تهران، مشعر.
- سجادی، سیدجعفر، ۱۳۷۳، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، دانشگاه تهران.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۱، *اخلاق و سبک زندگی*، قم، نشر معارف.
- شهیدی، هاشم، ۱۳۸۷، «بررسی تأثیر ویژگی‌های خانوادگی بر چگونگی گذران اوقات فراغت فرزندان در کوی‌های سازمانی»، *مدیریت نظامی*، ش ۳۰، ص ۳۵-۱۰۲.
- صدر، سیدموسی، ۱۳۷۷، «معیار تمایز مفاهیم اخلاقی از غیراخلاقی»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۱۴-۱۵، ص ۸-۳۳.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی تهرانی، قم، جامعه مدرسین.
- علیزاده، مهدی، ۱۳۹۰، «اخلاق چیست؟ تحلیلی فرااخلاقی از مفهوم حیث اخلاقی»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ش ۳، ص ۹۹-۱۲۵.
- کاشفی، حسین بن علی و علی اصغر معینیان، ۱۳۵۶، *ر شحات عین الحیات فی مناقب م شایخ الطریقه النقه شبنبدیه*، تهران، بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- المصطفوی، حسن، ۱۴۰۲ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز نشر آثار العالمه المصطفوی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، *ختم نبوت*، تهران، صدرا.
- مهدوی کتی، محمدسعید، ۱۳۸۷، *دین و سبک زندگی*، تهران، دانشگاه امام صادق ☞.
- سایت اسلام کوئیس، (تاریخ مشاهده ۹۴/۶/۳۰).

